



ساختارشناسی ادبی و عرفانی سه اثر عرفانی ایرانی
در تطبیق با کتاب سیر و سلوک کازانتزاکیس (یونانی)
(ترجمه رساله شش به، اسرار التوحید - کشف المحجوب)

مؤلف:

دکتر شهلا رستمی



نشر الرشیدین

Rashtan Publications

سرشناسه : رستمی، شهلا، ۱۳۴۸ -
 عنوان و نام : ساختارشناسی ادبی و عرفانی سه اثر عرفانی ایرانی در
 پدیدآور : تطبیق با کتاب سیر و سلوک کازانتزاکیس (یونانی)
 مشخصات نشر : تهران : راشدین، ۱۳۹۴.
 مشخصات : ۴۴۰ ص.
 ظاهری
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۴۶-۷
 وضعیت : فنیای مختصر
 فهرست نویسی
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
 قابل دسترسی است
 شماره : ۳۸۵۸۹۲۸
 کتابشناسی



انتشارات راشدین

ساختارشناسی ادبی و عرفانی سه اثر عرفانی ایرانی در تطبیق با کتاب

عنوان کتاب:

سیر و سلوک کازانتزاکیس (یونانی)

مؤلف:

دکتر شهلا رستمی

نظارت کیفی:

راهب عارفی

نظارت فنی:

محمد معین عارفی

صفحه آرا و طراح جلد:

افسانه حسن بیگی

چاپ و صحافی:

دی تاپ

نوبت چاپ:

اول-۱۳۹۴

شمارگان:

۲۲۰۰

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۴۶-۷

قیمت:

۲۰۰۰۰۰ ریال

نشانی:

میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶

تلفن / نمابر:

۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۴۹

پایگاه اینترنتی:

www.Rashedin.info

پست الکترونیک:

Email: rashed1829@yahoo.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلف
۱۳	معرفی ترجمه کتاب رساله قشیریه
۱۴	اهمیت ترجمه رساله قشیریه
۱۷	معرفی کتاب کشف المحجوب
۱۸	اهمیت کشف المحجوب در تاریخ ادبیات فارسی
۲۱	معرفی کتاب اسرار التوحید
۲۳	زندگی، اندیشه‌ها و آثار نیکوس کازانتزاکیس
۴۱	درآمدی بر عرفان و تصوف اسلامی
۴۳	مروزی، سیر، اصول و مبانی تصوف
۴۵	برخی مفاهیم کلیدی تصوف و عرفان اسلامی
۴۵	انسان کامل
۴۶	مراتب نفس انسان
۴۶	فضایل و محاسن
۴۷	تصوف عملی
۴۷	سیر و سلوک و تربیت نفس
۴۸	تصوف زاهدانه
۴۹	تصوف ذوقی (متذوقانه)
۵۰	مقامات و احوال
۵۱	مباحث تاریخی عرفان و تصوف اسلامی
۵۱	ماهیت (معنای اصطلاحی) تصوف اسلامی
۵۳	درآمدی بر ادبیات تطبیقی
۵۵	تاریخچه ادبیات تطبیقی
۵۶	خوزه‌های جدید ادبیات تطبیقی
۵۹	فصل اول: بررسی سبک و ساختار ادبی در متون فارسی مورد بررسی
۶۰	بخش اول: مختصات زبانی ترجمه رساله قشیریه
۸۹	بخش دوم: مختصات ادبی در ترجمه رساله قشیریه
۹۵	بخش سوم: مختصات زبانی کشف المحجوب
۱۲۵	بخش چهارم: مختصات ادبی کشف المحجوب
۱۳۴	بخش پنجم: مختصات زبانی اسرار التوحید
۱۶۹	بخش ششم: مختصات ادبی در اسرار التوحید
۱۸۱	تطبیق یافته‌های سبک و ساختار ادبی در متون مورد بررسی

۱۹۱	فصل دوم: مفهوم‌شناسی تطبیقی مقامات سلوک در متون مورد بررسی
۱۹۲	بخش اول (مقام توبه)
۱۹۲	توبه در ترجمه رساله قشیریه
۱۹۸	توبه در کشف‌المحجوب
۲۰۲	توبه و نسبتش با طلب در اسرارالتوحید
۲۰۹	بررسی مفهوم مقام توبه در کتاب سیر و سلوک
۲۱۴	تطبیق مقام توبه (در متون مورد بررسی)
۲۱۷	بخش دوم (مقام ورع)
۲۱۷	ورع در ترجمه رساله قشیریه
۲۲۰	ورع در کشف‌المحجوب
۲۲۰	ورع در اسرارالتوحید
۲۲۱	بررسی مفهوم مقام ورع در کتاب سیر و سلوک
۲۲۳	تطبیق مقام ورع (در متون مورد بررسی)
۲۲۵	بخش سوم: (مقام زهد)
۲۲۵	زهد در ترجمه رساله قشیریه
۲۲۸	زهد در کشف‌المحجوب
۲۳۱	زهد در اسرارالتوحید
۲۳۴	بررسی مفهوم مقام زهد در کتاب سیر و سلوک
۲۳۷	تطبیق مقام زهد در متون مورد بررسی
۲۴۰	بخش چهارم: مقام فقر
۲۴۰	فقر در ترجمه رساله قشیریه
۲۴۳	فقر در کشف‌المحجوب
۲۴۸	فقر در اسرارالتوحید
۲۴۹	بررسی مفهوم مقام فقر در کتاب سیر و سلوک
۲۵۱	تطبیق مقام فقر در متون مورد بررسی
۲۵۴	بخش پنجم: (مقام صبر)
۲۵۴	صبر در ترجمه رساله قشیریه
۲۵۶	صبر در کشف‌المحجوب
۲۵۸	صبر در اسرارالتوحید
۲۶۱	بررسی مفهوم مقام صبر در کتاب سیر و سلوک
۲۶۳	تطبیق مقام صبر در متون مورد بررسی
۲۶۶	بخش ششم: (مقام توکل)
۲۶۶	توکل در ترجمه رساله قشیریه

۲۶۸	توکل در کشف‌المحجوب
۲۷۲	توکل در اسرارالتوحید
۲۷۳	بررسی مفهوم مقام توکل در کتاب سیر و سلوک
۲۷۴	تطبیق مقام توکل در متون مورد بررسی
۲۷۷	بخش هفتم: (مقام تسلیم و رضا)
۲۷۷	تسلیم و رضا در ترجمه رساله قشیریه
۲۸۰	تسلیم و رضا در کشف‌المحجوب
۲۸۵	تسلیم و رضا در اسرارالتوحید
۲۸۷	بررسی مفهوم مقام تسلیم و رضا در کتاب سیر و سلوک
۲۹۰	تطبیق مقام تسلیم و رضا در متون مورد بررسی
۲۹۱	بخش هشتم: مقام فنا و بقا
۲۹۱	فنا و بقا در ترجمه رساله قشیریه
۲۹۳	فنا و بقا در کشف‌المحجوب
۲۹۶	فنا و بقا در اسرارالتوحید
۳۰۰	بررسی مفهوم مقام فنا و بقا در کتاب سیر و سلوک
۳۰۴	تطبیق مقام فنا و بقا در متون مورد بررسی
۳۰۷	فصل سوم: مفهوم‌شناسی تطبیقی حالات سلوک در متون مورد بررسی
۳۰۸	بخش اول: حال مراقبه
۳۰۸	مراقبه در ترجمه رساله قشیریه
۳۱۰	مراقبه (مجاهده) در کشف‌المحجوب
۳۱۸	مراقبه در اسرارالتوحید
۳۱۹	بررسی مفهوم حال مراقبه در کتاب سیر و سلوک
۳۲۰	تطبیق حال مراقبه در متون مورد بررسی
۳۲۲	بخش دوم: حال قرب
۳۲۳	قرب در ترجمه رساله قشیریه
۳۲۴	قرب در کشف‌المحجوب
۳۲۵	قرب در اسرارالتوحید
۳۲۶	بررسی مفهوم حال قرب در کتاب سیر و سلوک
۳۲۹	تطبیق حال قرب در متون مورد بررسی
۳۳۲	بخش سوم: حال محبت و عشق
۳۳۲	محبت و عشق در ترجمه رساله قشیریه
۳۳۷	محبت و عشق در کشف‌المحجوب
۳۴۳	محبت و عشق در اسرارالتوحید

۳۴۴		بررسی مفهوم حال محبت و عشق در کتاب سیر و سلوک
۳۴۹		تطبیق حال محبت و عشق در متون مورد بررسی
۳۵۲		بخش چهارم: حال خوف و رجا
۳۵۲		خوف و رجا در ترجمه رساله قشیریه
۳۵۸		خوف و رجا در کشف المحجوب
۳۶۳		خوف و رجا در اسرار التوحید
۳۶۹		بررسی حالات خوف و رجا در کتاب سیروسلوک
۳۷۴		تطبیق حالات خوف و رجا در متون مورد بررسی
۳۷۶		بخش پنجم: حال شوق
۳۷۶		شوق در ترجمه رساله قشیریه
۳۷۸		شوق در کتاب اسرار التوحید
۳۷۹		شوق در اسرار التوحید
۳۸۰		بررسی مفهوم حال شوق در کتاب سیروسلوک
۳۸۳		تطبیق حال شوق در متون مورد بررسی
۳۸۵		بخش ششم: حال انس
۳۸۵		انس در ترجمه رساله قشیریه
۳۸۶		انس در کشف المحجوب
۳۸۹		انس در اسرار التوحید
۳۹۰		بررسی مفهوم حال انس در کتاب سیروسلوک
۳۹۲		تطبیق حال انس در متون مورد بررسی
۳۹۵		بخش هفتم: حال اطمینان و مشاهده و یقین
۳۹۵		اطمینان و مشاهده و یقین در ترجمه رساله قشیریه
۴۰۰		اطمینان و مشاهده و یقین در کشف المحجوب
۴۰۸		اطمینان و مشاهده و یقین در اسرار التوحید
۴۱۱		بررسی حالات اطمینان، مشاهده و یقین در کتاب سیروسلوک
۴۱۶		تطبیق حال مشاهده و اطمینان و یقین در متون مورد بررسی
۴۲۳		یافته‌های تطبیقی مفهوم‌شناسی مقامات در متون مورد بررسی
۴۲۸		یافته‌های تطبیقی مفهوم‌شناسی حالات در متون مورد بررسی
۴۳۵		منابع و مأخذ

مقدمه مولف

انسان به صورت ذاتی، موجودی جویای تغییر است و همین امر سبب می‌شود که بخش بزرگی از تاریخ تمدن بشر به مسیر تحول‌خواهی و تغییرجویی معطوف شود.

این جستجوی تغییر و تحول به دو شاخه اساسی: اجتماعی (اصلاح‌گری جمعی و سیاسی) و فردی (کوشش‌ها و ریاضت‌های اخلاقی و عرفانی) تقسیم می‌شود. آموختن راه و روش هر یک از این دو مسیر، زیباترین جلوه‌های خود را در آثار ادبی یافته است و دسته دوم این تقسیم‌بندی بیشتر در آثاری مطرح می‌شود که از یک‌سو ادبی‌اند و از دیگر سو معنوا و ماهیته معنوی و نیز عرفانی دارند.

در این مسیر بوشکیراث ادبی و تمدنی زبان فارسی از غنی‌ترین گنجینه‌هایی است که از روزگاران گذشته به این گورهای را در متن و بطن خویش پرورده است و از این حیث با دستاوردهای دیگر تمدن‌های کهن همچون یونان و روم باستان قابلیت مقایسه و سنجش دارد.

از این منظر، تألیف حاضر با رویکردی به مطالعات ادبی تطبیقی و میان‌رشته‌ای، وارد ورطه‌ای پردردسر اما شیرین شده است که آن را «ادب تطبیقی» می‌نامند.

ظاهراً نخستین کسی که به اندیشه تطبیق میان آثار دو تمدن افتاده و در زبان انگلیسی برایش واژه ساخته ماتیو آرنولد است که با وام‌گرفتن اصطلاح تاریخ تطبیقی که در سده نوزدهم میلادی در زبان انگلیسی رایج شده است، به نگاه تطبیقی با ادب و رسوم و قصه‌های اقوام مختلف پرداخته و از آن جمله به متن حماسی رستم و سهراب توجه نموده و روایتی انگلیسی و تطبیقی از آن عرضه داشته است. (آرنولد، ۱۳۵۴: ۱۰)

از سوی دیگر و در اقلیمی متفاوت، فرانسویان «مقایسه‌گر» با رویکرد به مقوله و روش ادبیات تطبیقی آن را ذیل ادبیات همگانی جای دادند و ادبیات را کلیتی تلقی کردند که

می‌تواند سوای تمایزهای جغرافیایی و زبانی و تمدنی داد و دهش کند و آثاری مشابه و مرتبط پدید آورد. (بهادری، ۱۳۸۹: ۱۶۷)

این رویکرد در اقلیم روسیه یا همان شوروی سوسیالیستی با اندک تغییراتی به بیان هم‌زمان شباهت‌ها و تفاوت‌ها معطوف شد و نگاه تاریخ‌گرایی محققان طرفدار مارکسیسم سوسیالیستی نیز آن را تقویت نمود و ذیل جنبش فرمالیسم روسی در کوشش‌های محقق مردم‌شناسی و ادب‌پژوه صورتگرا؛ یعنی ولادیمیر پراب، رنگ و بویی دیگر یافت و حاصل آن، در کتاب ارجمند است که دربارهٔ قصه‌های پریان پدید آمده و به فارسی نیز ترجمه شده است. (پراب، ۱۳۷: ۴۵-۴۹ و همو، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۰)

در تکمیل این روند، مطالعات آمریکایی به میان آمد که در آن حسب مورد و ضرورت و بنا به ویژگی‌های متنی که بطور داده می‌شود، گاه از رویکرد تأثیر و تأثر و گاه از رویکرد شباهت‌ها و تفاوت‌ها و گاه از سیر تاریخ‌طور استفاده می‌شود؛ اما سهم اصلی را به تشابهات می‌دهد که رسالهٔ حاضر به رویکرد آمریکایی نزدیک‌تر است و بحث تأثیر و تأثر را کمتر مورد کنکاش قرار می‌دهد و بیشتر به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازد. (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۸)

بدین ترتیب تألیف حاضر می‌کوشد پس از معرفی کوتاه رنده، عرفان، افکار و آثار نویسندگان سه متن از امهات متون صوفیانه و عرفانی (که هر یک به سبب تنوع خاصی از حیث زهدورزی و ذوق‌مداری تعلق دارند)، گامی در جهت شناساندن ویژگی‌های متنی و روش مؤلف و نیز تحلیل و بیان مدل فکری مؤلفان این متن‌ها در ترسیم مسیری پویا و باطنی، به‌نام سلوک بردارد.

در این مسیر ابتدا، ویژگی‌های سبک و ساختار ادبی این سه متن فارسی بررسی گردید تا تصویری روشن در مقایسهٔ آن‌ها با یکدیگر فراهم آید، گرچه دربارهٔ متن یونانی، این بخش به اختصار تمام برگزار شده و این به دلیل ترجمه بودن متن مورد استفاده ماست. اما

این مطالعه زمینه را برای بخش اصلی کار: یعنی فضل تحلیل داده‌ها فراهم کرده تا بتوانیم در نگرشی تطبیقی و نزدیک به رویکرد آمریکایی با تأکید بر شباهت‌ها، مقایسه‌ای در سبک فکری سه متن ایرانی با متن یونانی داشته باشیم تا معلوم شود مؤلفان در ترسیم موضوع اثر خود (سیر و سلوک عرفانی) چه شباهت‌ها و سپس تفاوت‌هایی با هم دارند و از این حیث متن کازانتزاکیس با کدام یک از این متون و در کدام جوانب نزدیک‌تر و مشابه‌تر است.

بررسی میراث پربرگ و بار ادب عرفانی و صوفیانه فارسی نشان می‌دهد که اشتراک ذاتی تمامی این متون، در مبتنی بودن بر سلوک و تلقی سلوک به عنوان جریانی روحی و باطنی است که در آن، فراسالک براساس پیمودن پله‌های حالات و مقامات، از درون تحول می‌یابد. این تحول شخصیت و باطنی همه‌جانبه است و تمام ساحات روحی و عاطفی را دربر می‌گیرد که هر یک از این راه را برای نگاه مفهوم‌شناسانه، اخلاقی و روان‌شناسانه به جریان سلوک باز می‌کند. به ما اجازه می‌دهد به دنبال تطبیق این مفاهیم با نگاه و آثار معناگرایان دیگر مانند کازانتزاکیس، بر باشیم.

به بیان دقیق‌تر و تفصیلی‌تر بررسی نحوه تفکر این دو دسته متون (ایرانی و یونانی) در موضوعات مقامات عرفانی، حالات عرفانی، آغاز و پایان سیر و سلوک، زمینه‌ها، عوامل و نتایج آن و در یک کلام مفهوم‌شناسی سلوک عرفانی، مقوله‌ای است که حسن صاحب این قلم را به خود مشغول کرده و موضوع رساله حاضر است. از این منظر علت ترایش انسان به سلوک باطنی و معنوی از دید متن‌های مورد بررسی با همه تفاوت‌ها در یک اصل مشترک است: «جستجوی معنا» (یافتن راهی برای «معنا دادن» به زندگی):

سرآغاز سلوک باطنی و معنوی در آثار مورد بررسی در سه متن فارسی، سرچشمه‌ای قرآنی دارد و با انسان‌شناسی اسلامی پیوند یافته که در متن کازانتزاکیس بیشتر برگرفته از تأملات وجودی و آموزه‌های عرفان بودایی است اما شباهت میان این دو دسته متن با

آبشخورهای متفاوت در چند امر است: اولاً تمام این متون، میرایی انسان را عاملی می‌دانند که در معنا کردن زندگی انسان نباید از آن چشم پوشید و همین امر سبب می‌شود تمام مؤلفان آثار یادشده، به نحوی، به پیوند زدن زندگی با امر متعالی روی آورند و سلوک را ضروری، تعالی بخش و معناآفرین بدانند؛

علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و آبشخوری متون فارسی با نگاه کازانتزاکیس، سرآغاز، مراحل و مقامات سلوک باطنی در تمام متن‌ها با مفاهیم توبه، مراقبه، انواع پرهیز (شبهه با ورع و زهد)، تلازم میان خوف و رجا، الزام به صبر، نوعی از تسلیم آگاهانه و بدون نفی اختیار ارتباب یافته است.

همچنین، جوهر خداجریانه و معناگرایانه متفکران شرق و غرب بیش از این در آثار متعدد، از جمله مقالات و نین امان‌راهنمای این تألیف، بررسی گردیده است که امکان و مطلوبیت بررسی‌های تطبیقی آنان دست که موضوع رساله حاضر است نشان می‌دهد (حلبی و صفایی، ۱۳۹۱: ۱۰۹ تا ۱۳۹ و نازحلی و علیاری، ۱۳۹۱: ۹۳ تا ۱۰۶).

از دید این کتاب‌ها «غایت» (مرتبه اعلا) و «انتساب» (کارکرد اخلاقی، عملی و باطنی) سلوک نوعی آرامش و سکون درونی (مشابه اطمینان و راتبی از یقین عارفانه) است.

با عنایت به مطالب بیان‌شده در قسمت مقدمه و وسعت و ارمیتی که پژوهش‌های تطبیقی بین ادبیات ایران و جهان دارد (که موجب غنای فهم و گسترش افق‌های دید می‌شود)، مسأله اصلی پژوهش حاضر، نگاهی تخصصی به تطبیق سه متن ایرانی با ترجمه یک متن یونانی است که همه آن‌ها به نوعی آثار صوفیانه تلقی می‌شوند.

حال این سؤال پیش می‌آید که اشتراکات و سپس تفاوت‌های موجود در اندیشه عارفان ایرانی (قشیری، هجویری و ابوسعید) با کازانتزاکیس یونانی در چیست و این موارد چگونه در آثار مورد بررسی، تجلی یافته‌اند؟

از آنجاکه ادبیات تطبیقی به کنکاش در مشابهت‌ها و احیاناً دادوستدهای فرهنگی می‌پردازد و این رساله نیز از جهت بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، تطبیقی محسوب می‌شود؛ هدف این پژوهش را می‌توان ذیل دو مقوله اهداف کلی و جزئی برشمرد:

اهداف کلی: نتایج برآمده از این تحقیق مانند هر تحقیق تطبیقی دیگر می‌تواند تاحدی به کشف روابط و مشابهت‌های فرهنگی میان ملل منجر شود و موجبات گسترش و افزایش کمی و کیفی اطلاعات ادبی محققان کشور را فراهم سازد.

اهداف جزئی: با توجه به مشابهت‌های ژرف ساختاری و اجتماعی، میان ایران و یونان، می‌توان متون این دو تمدن را با دقت بیشتر بررسی نمود و به نتایج راه‌گشای و کارآمدتری رسید. این اشتراکات به انحصار عبارتند از:

شباهت پیشینه تمدن (در هر دو ملت را از پیشروان تمدن‌های باستان می‌سازد)؛ شباهت‌های ادبی و معنوی (که اوستا، شعر و ادبیات و نیز نوعی نگاه معناگرایانه و معناجویانه در هر دو تمدن است)؛ حضور برجسته مقولات و انگاره‌های اسطوره‌ای و حماسه‌ای در ژرف‌ساخت فکری هر دو ملت که راه را برای نگاه عرفانی باز می‌کند که حقیقت مجاهده حماسی با نفس خویشتن است)؛

اشتراکات اجتماعی (که به تحول‌خواهی و انقلاب‌گری در تاریخ معاصر و قرون نزدیک در هر دو ملت باز می‌گردد)؛ اشتراکات شاعرانه که به اهمیت تخیل و قصه‌پردازی در هر دو ملت اشاره دارد.

با در نظر گرفتن همه این شباهت‌های متنوع و اساسی در رسانه‌های رایج به موضوعی خاص از نظر طرز تفکر مؤلفان این متن‌ها می‌پردازیم که مفهوم‌شناسی سلوک عرفانی است. (و البته، بیان شباهت‌های سبک و ساختار ادبی نیز مقدمه و آماده‌کننده زمینه این بررسی اصلی است).

علاوه بر تمام ضرورت و اهمیتی که در باب پژوهش های تطبیقی ذیل عناوین پیشین از آن ها یاد کردیم و با توجه به اندک بودن این پژوهش ها در زبان فارسی، اهمیتی مضاعف می یابند، می توان موارد ذیل را نیز به عنوان اهمیت و انگیزه انتخاب برشمرد:

امروزه با توجه به تخصصی شدن علوم انسانی از پژوهش های میان رشته ای سخن به میان می آید که اهمیتی تازه و حیاتی یافته اند و ادبیات تطبیقی نیز در کنار نقد و نظریه ادبی، بیان رشته ای ترین شاخه از پژوهش های ادبی تلقی می شود.

با توجه به پیشینه قدیم و غنی ترجمه آثار کازانتزاکیس به زبان فارسی که به ویژه در ترجمه های رحیم محمد قاضی و محمد دهقانی از دقت و کیفیتی ویژه برخوردارند، پژوهش در آثار این نویسنده یونانی راحت تر و به سامان تر می شود.

اما در این راستا سوالاتی که بر من مولف پیش آمد عبارتند از:
الف) اساسی ترین ویژگی های یک ساختار ادبی متن های فارسی مورد بررسی (ترجمه رساله کشمیری، کشف المحجوب و اسرار التوحید) چیست؟

ب) مفهوم شناسی سلوک عرفانی در سه متن فارسی مورد بررسی بر اساس حالات و مقامات چگونه است؟

پ) شباهت ها و تفاوت های متن کازانتزاکیس با متون فارسی چیست؟
فرضیه های پژوهش بر این قرار هستند:

الف) بر اساس یافته های کلی سبک شناسی اثر فارسی می توان پیمین فرض کرد که متون صوفیانه علیرغم سادگی شان از سیر کلی سبک شناسی اثر فارسی تبعیت می کنند و بنابراین سبک کشف المحجوب، احتمالاً از دو متن دیگر پیچیده تر و آراسته تر است.

ب) اشتراک سلوک عرفانی در تمام متون یاد شده، آن است که آغازی مشترک (توبه یا طلب) و پایانی مشابه (فنا و سپس بقا) دارند و در میانه نیز مقامات و حالات اصلی

مشترک و مشابه است و البته در پرداختن به مقامات و حالات، رویکرد ذوقی یا زهدی متن بر کم و کیف نگاه مؤلف تأثیر مستقیم داشته است.

ب) در سلوک عرفانی کازانتزاکیس تمام مفاهیم عین متن‌های فارسی نیست که این به مشرب ذوقی و فرهنگ متفاوت او (یونانی) برمی‌گردد. اما او نیز برای انسان امکان سلوک باطنی را قائل است که از جنبه اخلاقی و معرفتی و روحی او را تعالی می‌بخشد و مشترکاتی میان مفاهیم کتاب وی با آثار فارسی مورد بررسی، ایجاد می‌کند.

در این باب لازم است، تا مختصری به معرفی برخی نکات و ملزومات کتاب

بپردازیم:

معرفی ترجمه کتاب (رساله قشیری)

نویسنده نسخه اصل ترجمه رساله قشیری به زبان عربی ابوالقاسم قشیری است. اما در این پژوهش از متنی از ترجمه رساله قشیری به انگلیسی استفاده شده که یکی از شاگردان ایشان در اواخر عمر او یا اندکی پس از وفات ایشان به ترجمه آن پرداخته است. قشیری از خاندان قشیرین کعب، ساکن قوچان بوده. در گیرودار تحصیل و اسباب با عرفان آشنا می‌شود. محققان درباره وی گفته‌اند: «ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن شریک استوایی نیشابوری (۴۶۵-۳۷۶ ه.ق.) ملقب به «زین الاسلام»، صوفی نامدار سده پنجم هجری، صاحب رساله معروف در تصوف، وی شیخ خراسان در عصر خویش بود. در نیشابور اقامت داشت و همان‌جا درگذشت.» (حلی، ۱۳۸۵: ۳۷۶)

وی در اوان جوانی به نیشابور که یکی از بزرگ‌ترین مراکز علم و فرهنگ دنیای اسلام در آن روزگار بوده رفته و معارف اسلامی زمان خود را نزد استادان بزرگ آن شهر فراگرفته است. پیر و مرشد و معلم حقیقی او ابوعلی حسن دقاق بوده که تأثیری ژرف و پایدار در تربیت او داشته و در همان اوان ورود قشیری به نیشابور او را به مریدی پذیرفته

و بعدها دختر خود را هم به زنی او داده است. او پس از هشتاد و نه سال و یک ماه در ربیع الآخر ۴۶۵ هجری در نیشابور در گذشت. درباره وفات وی گفته اند: «قشیری در نیشابور وفات یافت و در مدرسه و مکتب محل تدریسش و در کنار قبر استاد و پدر زنش به خاک سپرده شد. وفات وی بنا بر اختلافی که هست در سال ۴۶۴ یا ۴۶۵ هـ اتفاق افتاده است.» (سیاوشی، ۱۳۸۷: ۸۶)

«[ن] که خراج دیهی را که به ارب برده بود سنگین می یافت | بر آن آمد که علم حساب بیاموزد و مستوف شود مگر دیه خود را از خراج مصون دارد. از قراری که این خلکان نقل کرده است، همین بیت بود که قشیری جوان از استوا به نیشابور آمد اما در آنجا به حدیث و فقه و تفسیر و کلام رغبت یافت و نزد مشایخی مثل حاکم نیشابوری و ابن فورک اصفهانی به تعلیم عالم شریعت پرداخت.» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۴۵) در همین گیرودار بود که اتفاقی به مجدلی از استادان بزرگ تصوف، ابوعلی دقاق، راه یافت و شاگردی ایشان کرد همچنین استادش در سر خود را که زنی عالم و پارسا بود به نام ام البنین فاطمه، به همسری وی داد و بدین ترتیب ریشمار است و محبت میان استاد و شاگرد فزونی یافت. (عابدی، ۱۳۷۱: ۳۶)

اهمیت ترجمه رساله قشیری

ترجمه رساله قشیری یکی از آثار مهم تصوف است. زرین کوب به نقد است: «اگر امام قشیری برخلاف طریقه بایزید، شیخ خرقان و ابوسعید ابوالخیر به تصنیف کتاب پرداخت نه فقط بدان سبب بود که طریقه او به چند منسوب می شود که خود اهل علم و تصنیف بود بلکه تا حدی نیز شاید بدان سبب بود که بعضی مشایخ دیگر خراسان نیز از مدت ها قبل از قشیری به تصنیف کتاب پرداخته بودند چنانکه تعداد آثار حکیم ترمذی بسیار بود و از بعضی مشایخ دیگر مثل ابونصر سراج و ابوعبدالرحمن سلمی نیز تصنیفات باقی مانده بود.» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

دلسوزی وی بر روش عرفان حقیقی که با زواج صوفی‌نمایان خدشه‌دار شده بود یکی از اهداف او در نگارش این کتاب بوده است. ترجمه رساله قشیری یکی از مهم‌ترین متون آموزشی صوفیه است که به دست ابوالقاسم قشیری صوفی و متکلم اشعری قرن پنجم هجری تألیف شد. انگیزه قشیری از نگارش این اثر، معرفی تصوف و اصول آن در روزگاری بود که فساد و انحراف در عقاید آداب و سنن صوفیه توسط صوفی‌نمایان راه یافته بود. در اواخر عمر قشیری یا اندکی پس از درگذشتش به دست یکی از شاگردان او به نام ابوعلم شمانی به فارسی ترجمه شد. رسانه در اواسط یا اواخر قرن ششم در معرض ترجمه‌ای درباره قرار گرفت که جز در برخی قسمت‌ها، اصلاحی از ترجمه نخست بود. (روضاتیان و میربازی فرد: ۱۳۸۰: ۱)

بنابراین «ترجمه رساله قشیری» نامه یا پیامی است که قشیری آن را به صوفیان شهرهای اسلام فرستاده و شروع به تهیه آن در سال ۴۳۷ (ه.ق) و پایان آن در اوایل سال ۴۳۸ (ه.ق) و علت نوشتن آن را ظهور فساد در طریقت و انحراف صوفی‌نمایان در آداب و سنن مشایخ پیشین و ظهور مدعیان دور از حقیقت دروغین دانسته است. (عابدی، ۱۳۷۱: ۳۶)

بدین ترتیب قشیری کتابش را در راستای تشریح و تفسیر عبادت، آداب، رسوم، شرح حال و بیان اقوال مشایخ صوفیه در روزگاری که فترت تصوف پیدا می‌کرد نوشته بود. این کتاب دو فصل و پنجاه و پنج باب دارد. فصل اول در بیان عقاید صوفیه و فصل دوم خلاصه و نتیجه فصل اول است. قشیری شرح حال هشتاد و سه تن از مشایخ صوفیه را در باب اول مطرح کرده و در دیگر باب‌ها به شرح اصطلاحات بیان احوال و مقامات، آداب و سنن‌ها، کرامات، خواب و رویا، وفات و وصیت مشایخ به مریدان پرداخته است.

گفته می‌شود که دو ترجمه بر این اثر نوشته شده است بدین ترتیب که: «الرساله در اواخر عمر قشیری یا اندکی پس از درگذشت او به دست یکی از شاگردانش به نام ابوعلی

عثمانی به فارسی ترجمه شد. در اواسط یا اواخر قرن شش ترجمه رساله قشیریه به کرمان رسید و شیخ الشیوخ خواجه محمد پارسا آن را به نزد ابوالفتح نیشابوری که آن زمان در کرمان به سر می‌برد فرستاد تا ترجمه را که به نظر سقیم می‌رسید اصلاح کند. ابوالفتح بر آن شد تا رساله را دوباره ترجمه کند اما اجل به او مهلت نداد و ترجمه مجدد تنها به برخی قسمت‌ها محدود شد و در دیگر بخش‌ها اصلاحاتی در ترجمه اول صورت پذیرفت. ترجمه دوم در سال ۱۳۴۵ به همت بدیع‌الزمان فروزانفر تصحیح و تعلیق شد و با چاپ این اثر ترجمه رساله قشیریه برای نخستین بار در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. (روضائیان میریافری فرد، ۱۳۸۹: ۲)

اما آن چیزی که شمس در سبک‌شناسی بدان اشاره می‌کند چنین است: «این کتاب را دوبار به فارسی ترجمه کردند. یکی در سال ۶۰۱ و دیگر در نیمه دوم قرن ششم یا نیمه اول قرن هفتم و این دومین را که ترجمه ابوعالی حسن بن احمد عثمانی است فروزانفر با توجه به آن ترجمه نخست چاپ کرده است.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۴۲) اما پژوهشگران میان دو ترجمه کلاسیک این اثر تفاوت‌هایی یا به عبارتی که دست‌مایه نگارش مقالات و پژوهش‌هایی در این باره شده است: «مقایسه دست‌نوشته‌های موجود از دو ترجمه نشان می‌دهد که مترجم اول در نظر داشته است متنی ساده را قابل فهم ارائه کند که با نحو و جمله‌بندی زبان فارسی نیز متناسب باشد به همین دلیل در عین وفاداری به اصل عربی برخی عبارات را که دارای ابهام بوده یا درک مفهوم آن‌ها دشوار به نظر می‌رسیده به فارسی ترجمه نکرده است. بر خلاف او مترجم دوم کوشیده است به گونه‌ای ترجمه اول را اصلاح کند که بیشترین نزدیکی را به اصل عربی داشته باشد این نکته حتی در جمله‌بندی ترجمه دوم نیز تأثیر داشته و رنگ و بوی ترجمه در آن به خوبی قابل تشخیص است.» (روضائیان و میریافری فرد، ۱۳۸۹: ۱۵)